

نگاهی به مؤلف های تربیت از منظر قرآن کریم

احمد ذبیح افشاگر^۱

چکیده

اسلام به عنوان مکتب انسان ساز، دارای نظام تربیتی ویژه ای است. نظام تربیتی اسلام تمایزات اساسی با سایر نظام های تربیتی دارد. این تمایزات عمدتاً از نوع نگاه اسلام نسبت به انسان ناشی می شود. به همین جهت، ضرورت دارد که نظام تربیتی اسلام تبیین گردد. تبیین عناصر و مؤلفه های این نظام که شامل اهداف، مبانی، اصول، عوامل و موانع تربیت است، مستلزم نظریه پردازی و استخراج آن ها از متون و منابع معتبر دینی است. هدف این پژوهش این است عناصر تشکیل دهنده نظام تربیتی اسلام را به منظور رشد و تعالی فعالیت تربیتی در جامعه، استنباط و صورت بندی نماید. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-استنباطی، اهداف، منابع، مبانی، اصول، عوامل مؤثر و موانع تربیت از دیدگاه قرآن کریم تبیین شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که هدایت یافتگی، نظم و قانون مندی، هدف داری ربوبیت حق در جهان، مهم ترین مبانی هستی شاسانه و اصل تربیت پذیری، دویعدی بودن انسان، اختیار و کرامت، از جمله اصول اساسی نظام تربیتی اسلام است. بر اساس آیات قرآن، وراثت و محیط، دو عنصری است که نقش مؤثر در تربیت انسان دارد و دنیا پرستی، نبود انگیزه کافی از جمله موانع اصلی تربیت به شمار می روند. هدف اصلی تربیت از منظر قرآن، قرب الهی و متصف شدن به صفات خدایی است.

کلیدواژه ها: تربیت، مؤلفه های تربیت، مبانی تربیت، موانع تربیت، اهداف تربیت

۱. گروه قرآن و علوم، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان.



مقدمه

تربیت مؤلفه‌هایی دارد که عبارتند از مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع تربیت که نظامنامه تربیت را شکل می‌دهد. هر یکی از این مؤلفه‌ها باید به‌طور مستقیم از سوی مربیان مورد ملاحظه قرار بگیرد تا به نتیجه مطلوب برسند. از این جهت باید به مبانی و زیرساخت‌های تربیت توجه شود، اهداف و نهایت کار ترسیم شود و اصول و روش‌های خاص آن مورد استفاده قرار گیرد تا امر پیچیده تربیت و تغییر رفتار به بار نشیند؛ اما از آنجا که بررسی مؤلفه‌ها و عناصر نظام تربیتی، مجال و شرایط خاص خود را اقتضا دارد در این نوشتار به‌طور گذرا و اجمال به آن پرداخته می‌شود.

۱. مبانی تربیت

همه مکاتب تربیتی دارای مبانی تربیتی ویژه‌ای است که سایر عناصر نظام تربیت بر آن مبتنی است. کلمه مبانی از ریشه بنا اشتقاق یافته و به معنای پایه، پی، نهاد، بنیاد و زیرساخت است. (ابن منظور، ۱۴۱۶) معنای اصطلاحی مبانی تربیت سلسله معارف نظری فکری است که قضایای و جنبه‌های مختلفی از یک موضوع انسانی، از جمله جنبه‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی را در بردارند. (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۶۸) با توجه به این تعریف بحث مبانی تربیت را می‌توان در سه محور هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه بیان کرد که به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱-۱. مبانی هستی‌شناسی تربیت

مبانی هستی‌شناختی مسئول پاسخ به پرسش‌های چون مبدأ هستی، جریان هستی و مقصد هستی است. اهم این مبانی را به اختصار توضیح می‌دهیم:

۱-۱-۱. هدایت یافتگی

بررسی پدیده‌های هستی بیانگر آن است که تمام هستی از نظم و هماهنگی ویژه و دقیقی برخوردار است و هر جزء هستی به گونه خاص و معین و منظمی به‌سوی هدف مشخص به‌پیش می‌رود. این مهم را می‌توان هدایت یافتگی نامید که از سوی



خالق آن بنا نهاده شده است؛ چنانکه قرآن کریم نیز در آیات متعددی آمده است، از جمله: (اعلی: ۲ و ۳، فصلت: ۱۱ و ۱۲، یس: ۳۸ و ۴۰، نور: ۴۳، رعد: ۴، انعام: ۳۸، نحل: ۶۸ و ۶۹ و ۷۰، روم: ۳۰، حدید: ۲۵). در یک مورد خداوند می‌فرماید: «گفت پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینشی درخور او عطا کرد و سپس راهنمایی نموده است. (طه: ۵۰) هدایت به معنای این است که راه هر چیز را به‌گونه‌ای نشان داده است که او را به مطلوبش برساند یا لاقفل راهی که به‌سوی مطلوب او منتهی می‌شود، به او نشان داده شود.

۲-۱-۱. نظم و قانونمندی

از شاخصه‌های اصلی نظام آفرینش، نظام‌مند بودن و قانونمند بودن آن است که تأمل و دقت در اجزاء هستی، ما را به نظم و انتظام شگفت‌انگیز آن متوجه می‌سازد. قرآن کریم بیش از هفت‌صد و پنجاه بار آیات مربوط به پدیده‌های هستی را بیان کرده و بشر را به تفکر به آن دعوت می‌کند که انسجام و به‌هم‌پیوستگی و نظم دقیق نهفته در آن را نشان می‌دهد. (ر.ک. بقره: ۱۶۴، آل‌عمران: ۱۹۰ و ۱۹۱، جاثیه: ۳ و ۶ یونس: ۶ و ۱۰۰ و ۱۰۱، ابراهیم: ۱۰، نوح: ۱۵ و ۱۶ رحمان: ۷ ملک: ۳ و ۴ و ۵ انعام: ۹۶، فرقان: ۶، یس: ۳۶ نحل: ۵ و ۱۰)

۳-۱-۱. هدف‌داری

از ویژگی‌های آفرینش هستی آن است که برای هدف و جهت خاص خلق شده است. (دخان: ۳۸ و ۳۹، جاثیه: ۳۶ و ۳۷) لذا این ساختار نهفته در هستی می‌تواند مبنای مهمی برای تربیت قرار گیرد و عناصر نظام تربیتی بر پایه آن شکل گیرد؛ زیرا هرگاه انسان بداند که او نیز به عنوان یکی از عناصر مهم عالم آفرینش، هدفمند آفریده شده است، باید خود و نسل خود را چنان تربیت کند که به آن هدف غایی آفرینش خود برسد.

۴-۱-۱. انسان‌محور خلقت

یکی از مبانی قرآنی درباره هستی‌شناسی این است که خلقت را برای استفاده و بهره‌برداری انسان معرفی می‌کند. (ابراهیم: ۳۲ و ۳۳)



۵-۱-۱. ربوبیت حق در جهان

ربوبیت حق در جهان به این معنا است که تنها خداوند مالک حقیقی تمام امور هستی است، تدبیر امور موجودات عالم را به عهده دارد و می‌تواند به صورت مستقل و بدون نیاز به همکاری یا اذن و اجازه موجودات، دیگر در امور هستی تصرف کند و آن را سامان دهد (ر. ک. نظامنامه تربیتی، ص ۲۹)

۶-۱-۱. شعور و آگاهی عام

همه موجودات عالم هستی در حال تسبیح بوده و از ادراک و شعور برخوردارند و در آیات مختلف از آگاهی و درک و فهم تسبیح، تحمل و ادای شهادت و سخن می‌گویند. (نمل: ۲۲-۲۴-۲۷، فصلت: ۲۱-۱۹، یس: ۶۵، نور: ۲۴، زلزال: ۴ و ۵)

۲-۱. مبانی انسان‌شناسی تربیت

مراد از مبانی انسان‌شناختی آن دسته از گزاره‌های توصیفی - تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان، است که از متون معتبر اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث فلسفه اسلامی استخراج شده‌اند. (علی رضا صادق زاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۸)

۱-۲-۱. شاخصه‌های انسان‌شناختی قرآنی

الف) جامعیت ویژه: اولاً آیات قرآن به انسان به عنوان یک مجموعه نگریسته است؛ مجموعه‌ای که دارای ساحت‌های متعدد و زیاد و شئون وجودی، مختلف قابلیت‌ها و استعداد‌های گوناگون است، ثانیاً گذشته و آینده انسان مورد توجه قرار گرفته و به مراحل و ادوار زندگی او در دنیا برزخ و قیامت توجه شده است.

ب) نوآوری‌های بدیع و بی‌بدیل: در آیات قرآنی نوآوری‌های بدیع و بی‌بدیلی در مورد انسان وجود دارد که این مطالب هرگز با اندیشه بشری و با استفاده از عقل، حس تجربه و عرفان به دست نمی‌آید.

ج) خطاناپذیری: از آنجا که منبع و سرچشمه و خاستگاه قرآن، علم الهی است، در نتیجه همه آیات بیانگر حقایق بوده و خطاناپذیر است.

۱. تربیت‌پذیری: در همه مکاتب انسان موضوع تربیت بوده و به تغییر و اصلاح او می‌پردازند. به همین دلیل همه مکاتب از قبل تغییرپذیر بودن انسان و روابطش را به‌صورت یک اصل مسلم فرض کرده‌اند. (معاونت تربیتی المصطفی، بی‌تا: ۳۰)
۲. انسان موجودی دوبعدی و دو ساحتی: انسان موجودی دوساحتی است؛ روح و بدن. روح گوهری دارای قابلیت‌های متفاوت غیرمادی و فناپذیر و بدن امری است مادی فناپذیر و متغیر و محدود. از این‌رو باید امر تربیت هر دو بعد مورد توجه قرار گیرد. آیات متعددی متضمن دو بعدی بودن انسان است. به‌عنوان نمونه: (مؤمنون: ۱۱ و ۱۲ و ۱۲ آل عمران: ۵۹، اعراف: ۱۲ حجر ۲۶ و ۲۹، رحمان: ۴، فاطر: ۱۱، روم: ۲۰، قیامت: ۳۷) با توجه به این مبنا، تربیت باید به‌گونه‌ای انجام شود که ساحت مادی و معنوی انسان مورد ملاحظه قرار گیرد.

۳. اختیار: انسان موجود مختار است که می‌تواند با اراده خود به فعالیت‌های مختلفی اقدام نماید. این شاخصه در آیات زیادی انعکاس یافته است. مثلاً: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ (ذاریات: ۵۶) خداوند جن و انس را برای امتثال امر و نهی و قبول تکلیف و در عبادت آفرید و در این قبول تکلیف هیچ جبری وجود ندارد، بلکه خداوند آنان را مختار آفریده تا به وسیله امر و نهی آنان را بیازماید. (حویزی، ۱۴۱۵، ۵: ۱۳۲)

۴. کرامت انسان: انسان دارای کرامت ذاتی بوده و دارای ساختاری ویژه و جلوه‌های والا از عالم عقل و مثال و دارای معتدل و زیبا است این والایی و برتری ویژه انسان از عنصر روحانی و فطرت خداجوی بشر مایه می‌گیرد. (اسرا: ۷) لذا تربیت باید به‌گونه‌ای پیش رود که کرامت افراد آشکار شود و این مهار کردن شهوت و غضب و هوی و هوس و کاستن از دل‌بستگی‌های مادی امکان‌پذیر است

۵. گرایش به زیبایی خواهی: یکی از ابعاد معنوی، انسان علاقه به جمال و زیبایی است (نحل ۱۵ و علامات و بالنجم هُمْ يَهْتَدُونَ)، صفات، إِنَّا رَبُّنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ، حجر ۱۶ و لَقَدْ نَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَزِينَةً لِلنَّظَرِ (و بخش مهمی از زندگی انسان را تشکیل می‌دهد



۶. **تأثیرپذیری و تأثیرگذاری:** تأثیرگذاری و قدرت تأثیرگذاری از ویژگی‌های طبیعی و ساختار وجودی انسان به شمار می‌رود که در امر تربیت مورد توجه قرار گیرد. (مطففین: ۱۴) اعمال و رفتارهای ظاهری می‌توانند درون انسان را شکل داده و به تصویر بشکند.

۷. **خلاصیت:** انسان با دشواری‌های که دست به گریبان است، بخش عظیمی از دشواری‌های زندگی خود را با استفاده از این توانمندی حل می‌کند. گستره حیات آدمی، محیط‌های متفاوتی را برای فعالیت گشوده است. لذا او باید در محیط زندگی خود به ایجاد اندیشه‌ها و راهکارهای جدید، برای تغییر و تربیت دست بزند. (نظام‌نامه تربیتی، ص ۳۱)

۸. **اندیشه‌ورزی و تعقل:** انسان موجودی خردمند و اندیشور است (انفال: ۲۲) و می‌تواند در سایه استفاده از عقل و پیروی از آن، به تکامل نائل آید.

۹. **فطرت:** فطرت عبارت است از نیروی قدرت بر معرفت و شناخت ایمانی که خداوند با آب و گل انسان آن سرشته و او را به آن ترکیب و هیئت آفریده است. (طباطبایی، ۱۳۶۹، ۱۰: ۲۹۸) قرآن نیز در آیات متعددی از آن سخن گفته است. (روم: ۳۰، حجرات: معارج: ۱۹ و ۲۱، نساء، ۲۸، روم: ۵۴ انبیاء: ۳۷)

۱۰. **کمال‌جویی:** انسان ذاتاً کمال‌جو است؛ (أحزاب: ۷۲ انشقاق: ۶، عادیات: ۸) زیرا حب ذاتی که در هر فردی وجود دارد، او را به کمال‌خواهی و می‌دارد. از این رو موجودیت خود را صیانت و برای رسیدن به کمالات معنوی و ارزشی تلاش می‌کند و عیب و نقص و کاستی را از خود دور می‌سازد. (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

۱۱. **اجتماعی بودن انسان:** انسان به لحاظ ساختار وجودی اجتماعی است؛ یعنی برای تأمین خواسته‌هایش باید به‌طور اجتماعی زیست کند و از طرفی این نحوه زندگی موجب شکوفایی استعدادهای نهفته او می‌شود. (زخرف: ۳۲، بقره: ۲۱۳، حجرات: ۱۳، فرقان: ۵۴)

۱-۳. مبانی معرفت‌شناسی تربیت

معرفت در لغت به معنای مطلق علم و آگاهی است و در اصطلاح مبانی معرفت‌شناختی، بخشی از مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی درباره شناخت آدمی و



حدود و ثغور آن است. (صادق زاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۳)

معرفت برای انسان قطعی و ثابت است. لذا قرآن کریم انسان را به علم و معرفت دعوت کرده و آن را برای او فرض و لازم و ترک آن را مستوجب توبیخ دانسته است. (یونس: ۱۰۱، اعراف: ۱۸۵، ق: ۶، آل عمران: ۱۳۷، روم: ۴۲، عنکبوت: ۲۰، حدید: ۲۰، مائده: ۹۲، بقره: ۲۳۱ و ۳۱). هم‌چنین ظرفیت معرفتی و علمی انسان را دارای ظرفیتی بالا دانسته است. ابزار معرفت بر اساس آموزه‌های قرآنی حس عقل شهود الهام و وحی است. لذا قرآن دیدگاه مکاتب دیگر را که ابزار را فقط در حس یا فقط عقل یا تنها شهود باطنی می‌دانند نمی‌پذیرد. ازاین‌رو با توجه به تعدد ابزارهای معرفت در وجود انسان، باید در تربیت از تک‌تک آن‌ها بهره جست تا بتوان به جایگاه مطلوب رسید.

با توجه به ابزارهای معرفتی انواع معرفت را می‌توان به پنج قسم تقسیم نمود: معرفت حسی، معرفت عقلی، معرفت شهودی، معرفت وحیانی، معرفت الهامی و در میان حواس، حس بینایی و شنوایی بیشترین نقش را در کسب معرفت و شناخت ایفا می‌کنند.

۲. اصول تربیت

اصول جمع اصل به معنای ریشه و پایه و بیخ شیء است. ابن منظور، ۱۴۱۶، ۱۱: (۱۶) و در اصطلاح عبارت است از تکیه‌گاه که از عوامل موجود در حیات استخراج شده است و باید آن را به‌عنوان ملاک عمل در نظر گرفت. (هوشیار، ۱۳۷۶: ۶۵) که به تعدادی از اصول تربیتی به‌طور اشاره وار می‌پردازیم.

۱-۲. اصل اعتدال

تربیت صحیح زمانی صورت می‌پذیرد که مربی راه اعتدال و میانه را طی کند و از هرگونه زیاده‌روی و کم‌کاری و افراط و تفریط پرهیزد و باید در تربیت قوای گوناگون انسان مثل غضب و شهوت و...، این اصل مراعات شود. جهت‌گیری قرآن کریم نیز در امر تربیت بر همین اصل بوده و بر آن تأکید می‌ورزد. (ر.ک. بقره: ۱۴۳، لقمان: ۲۱۹)

۲-۲. اصل تسهیل و تیسر

منظور همان آسان کردن و سهل گردانیدن است؛ (معین، ۱۳۸۰، ۱: ۱۱۸۰) یعنی مربی در مسیر تربیت متربی باید شیوه‌ای را برگزیند که موجب رغبت و ایجاد انگیزه متربی را فراهم آورد و مراحل تربیت را به گونه‌ای انتخاب نماید که متربی احساس دشواری و سختی کمتری نماید و با دل و جان در مسیر رشد و تکامل و تربیت قرار گیرد و الا سختی تکلیف بر او غلبه کرده و زیر بار آن نخواهد رفت. خداوند متعال در فرو فرستادن شرع مقدس بر این اصل تأکید دارد و شریعت را سهل و آسان قرار داده است. «یرید الله بکم الیسرَ ولا یریدُ بکم العُسَرَ». (بقره: ۱۸۵)

۲-۳. اصل ایجاد و اصلاح محیط

یکی از خصوصیات ساختاری و وجودی انسان تأثیرپذیری او است. لذا از محیط و افراد و سایر امور تأثیر می‌پذیرد. از این رو باید محیط سالم برای رشد و تربیت او ایجاد شود تا تأثیری که در انسان می‌گذارد، در راستای تربیت درست او باشد.

۲-۴. اصل مسئولیت

طبق این اصل، فرد در برابر انجام یا ترک عملی، احساس مسئولیت می‌کند. لذا وقتی با روحیه مسئولیت‌پذیری به سراغ کارها و رفتارها و انتخاب‌های خود رفت، در مسیر تربیت قرار می‌گیرد. اصلاً با این روحیه خود را در قبال تربیت خود و دیگران مسئول می‌داند. قرآن کریم نیز به این اصل توجه دارد. (طه: ۹۷) نکته‌ای که از این اصل به دست می‌آید، اصل پاسخگویی است که متعاقب مسئولیت‌پذیری باید پاسخگو نیز باشد. (باقری، ۱۳۷۳: ۱۰۶)

۲-۵. اصل تدرج

تدریج در لغت به معنای گام به گام، مرحله به مرحله و تدریجاً به سوی شیء رفتن آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ۲: ۲۶۹) تربیت و هرگونه تغییر باید مرحله به مرحله و تدریجی صورت گیرد. لذا مربی همواره باید به این اصل توجه داشته باشد؛ زیرا هیچ انسانی جز بر اساس تمکن و توانایی‌اش و جز با حرکت تدریجی و مناسب، به کمالات الهی دست نمی‌یابد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۱۶۳)



۲-۶. اصل استفاده از عواطف و دلبستگی‌های تربی

دلبستگی‌ها تأثیر فراوانی در عملکرد افراد دارند؛ چنان‌که آمده عواطف و دلبستگی تربی در بعضی از مواقع شوری عظیم و مبدأ تحمل قدرت و جسارتی خیره‌کننده در انسان به وجود می‌آورد که همسنگ ملکات پایدار و حتی فراتر از آن نیز می‌رود. (باقری، ۱۳۷۳، ۱: ۱۵۵) این دلبستگی گاهی به خداوند «أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵) و گاه به امور دیگر است. به‌هرروی این دلبستگی‌ها و عواطف، در تربیت افراد تأثیر ویژه‌ای دارد.

۲-۷. اصل کوشش و عمل

این اصل بیان‌کننده آن است که افراد برای تغییر رفتار و تربیت، باید تلاش و کوشش کنند که بدون تلاش کسی به جایی نمی‌رسد. این یک سنت الهی در نظام هستی است که فقط هر کس نتیجه تلاش خود را می‌بیند. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». (نجم: ۳۹)

۲-۸. اصل غایتمندی

ترسیم غایت و هدف در برنامه‌ریزی و اجرا و سیاست‌گذاری‌های تربیت همواره باید در نظر گرفته شود؛ مثلاً در راستای تغییرات رفتار متربیان و استفاده از روش‌ها باید اهداف تربیتی موردنظر باشد. (آل‌عمران: ۱۸۸۷ و ۱۸۹؛ انبیا: ۱۶ و مؤمنون: ۱۱۵؛ ذاریات: ۵۶)

۲-۹. اصل نظارت و ارزشیابی

اصل نظارت و ارزشیابی نظارت بر برنامه‌ها، فعالیت‌ها و عملکردها و همچنین ارزشیابی حتی مربیان و برنامه‌های که در حال سپری شدن است، اهمی خاصی در تربیت دارد. البته مربی باید به نظرات متربیان مخصوصاً درباره خودشان اعتماد داشته باشند. این اصل، باعث بهتر و پربازده‌تر برنامه تربیتی می‌شود؛ زیرا در اثر نظارت و ارزشیابی، کاستی‌ها رفع و مزایا تکثیر می‌شود.

۲-۱۰. اصل تنوع

طبق این اصل، مربی باید در مراحل و شرایط مختلف تربیت، تلاش کند که از برنامه‌ها و شیوه‌های متنوع استفاده کند و بر اساس اقتضائات لازم آن‌ها را بکار بندد.

۱۱-۲. اصل تعقل

به کارگیری عقل و استفاده از آن تعقل نامی ده می‌شود (این منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۶) و اصولاً تربیت صحیح بر اساس تعقل شکل گرفته و به کمال می‌رسد. اگر عقل به تیرگی‌های نفسانی پوشیده نشود، باطل را در علوم نظری و خیر و شر و نفع و ضرر را در علوم عملی تشخیص می‌دهد و به حق و خیر و نفع دل می‌بندد. (طباطبایی، ۱۳۶۹، ۲: ۲۴۹) و در سایه به کارگیری و تبعیت از عقل نیل به سعادت اتفاق می‌افتد.

۱۲-۲. اصل خدامحوری

با توجه به این که هدف غایی تربیت قرب و لقاء خداوند متعال است، هرگونه برنامه‌ای تربیتی باید به نحوی تنظیم شود که پرورش روحیه خداگرایی و خدامحوری در اندیشه‌ها، انگیزه‌ها و رفتار تربیتی را در برگیرد تا جای که هستی‌متربی و تمامی ساحت‌های وجودی او را در جهت خدا پرورش داده خدا را محور همه امور قرار دهد. (نحل: ۳۶ بقره: ۱۵۶، روم: ۳۰، طه: ۱۲۴)

۱۳-۲. آخرت‌گرایی

توجه داشتن به سرای ابدی و همیشگی در امر تربیت یک ضرورت است. اگر برنامه تربیتی برای مهیا شدن و اندوختن برای آخرت قرار بگیرد و به دنیا به عنوان ابزار و جایگاهی موقت بنگرد، تربیت رنگ و بوی خاص و متمایز پیدا کرده و افراد برای سعادت ابدی جهت‌دهی می‌شوند. (یونس: ۴، روم: ۲۷، زلزال: ۷)

۱۴-۲. استمرار و مداومت

عمل تأثیر ژرف بر روح و روان انسان گذاشته و شخصیت انسان را شکل می‌دهد. منتهی صرف انجام یک بار یا موقت تأثیرگذاری لازم را ندارد. لذا مداومت و استمرار است که مانند قطرات پیوسته آب بر جسم و روح انسان تأثیر می‌گذارد. قرآن کریم هم به این اصل اشاره کرده و در توصیف مؤمنان، آن‌ها را با وصف «دائمُونَ» و «یَحَافِظُونَ» (معارج: ۲۳ و ۳۴) یاد می‌کند.



۱۵-۲. محبت محوری و احسان گرایی

پدیده دل‌بستگی از ویژگی‌های انسان است و همچون سلسله‌جنبانی است که به واسطه آن می‌توان آدمی را آماده هر کار و هر حال و وضعی گرداند. محبت موجب می‌شود انسان برای رضایت محبوب تلاش کند. طبق این اصل، در فرایند تربیت، خواه در برانگیختن انگیزه برای انجام پاره‌ای از اعمال و خواه برای ترک آن‌ها، باید از قدرت ناشی از پیوند محبت‌آمیز بهره جست. این بهره‌وری به دوروش میسر است؛ یکی با بذل محبت و دیگر با حرمان آن. تأثیر بارز اصل محبت محوری در روند تربیت دینی در دو محور پرهیز از اجبار و اکراه و تأکید بر خواست و اراده متربی خلاصه می‌شود. متربی باید ضمن حذف فشار و اجبار با عطف توجه از عوامل خارجی به سوی تحریک گرایش‌های درونی گام بردارد.

۱۶-۲. گرایش به نیکی‌های اخلاقی

تأثیر این اصل در ایجاد و تقویت محبت و دوستی از موارد غیرقابل‌انکار در روان‌شناسی اجتماعی است. بر این اساس به‌کارگیری این اصل در نظام تربیتی نتایج بسیاری را به دنبال خواهد داشت. (نظام‌نامه، تربیتی، ص ۵۸) باید متذکر شد اصول تربیتی متعدد بوده که اصل، حیات اصل، گفتگو اصل سودمندی، اصل غایتمندی، اصل، وحدت اصل تغییر و تکامل اصل تدریج و پیوستگی، اصل تأثیر متقابل، اصل آزادی اصل نظارت و ارزشیابی، اصل پاسخگویی اصل عدالت، اصل تنوع، اصل مصلحت از موارد دیگر آن است. (ر.ک. علم الهدی، ۱۳۸۹: ۴۸۰)

۳. عوامل مؤثر در تربیت

منظور از عوامل مؤثر در تربیت اموری است که در شکل‌گیری و پرورش شخصیت و تربیت افراد مؤثر است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۳. وراثت

وراثت عبارت است از انتقال صفات و خصوصیات جسمانی و روانی و حالات ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری از پدر و مادر یا خویشاوندان و اجداد به نسل‌های



بعدی. (حجتی، بی‌تا، ۱: ۷۹) از این جهت وراثت از عوامل مؤثر در تربیت است که زمینه‌های تربیت مثبت یا منفی را در افراد ایجاد می‌کند. با توجه به اهمیت وراثت، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «دقت کن که نطفه خود را در کجا مستقر می‌کنی؛ زیرا خصوصیات اجداد به فرزندان منتقل می‌شود». (ابن احمد، بی‌تا، ج ۲: ۴۷۷)

۲-۳. محیط

محیط تربیتی عبارت است از تمام عوامل عادی خارجی که انسان را احاطه کرده و او را از آغاز رشد، یعنی از زمانی که به صورت نطفه در رحم منعقد می‌شود، تا زمان مرگش تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۱۶) اما شاخص‌ترین عوامل محیط عبارتند از محیط خانه، محیط مدرسه، محیط اجتماع. در این میان محیط خانه که سال‌های نخست تربیت در آن اتفاق می‌افتد، دارای اهمیت ویژه‌ای است. امکانات مادی و تعاملات عاطفی برخوردها در آن نگرش‌ها و آداب رسوم خانه و خانواده، از امور تأثیرگذار تربیتی به شمار می‌روند.

الف. محیط خانه: امام خمینی در چگونگی تربیت خانواده به جنبه عملی آن معتقد است و می‌فرماید: «چون اطفال در حشر دائم یا غالب با پدر و مادر است، تربیت‌های آن‌ها باید عملی باشد؛ یعنی اگر فرضاً خود پدر و مادر به اخلاق حسنه و اعمال صالحه متصف نیستند، در حضور طفل با تکلف خود را به صلاح نمایش دهند تا آن‌ها عملاً مرتاض و مربی شوند و این خود شاید مبدأ اصلاح خود پدر و مادر نیز شود». (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۱۵۵)

ب. محیط مدرسه: مدرسه که مجموعه‌ای از مربیان و متربیان در آن گرد هم می‌آیند، از عوامل تأثیرگذار درونی تربیت است. در این محیط که زمان نسبتاً طولانی را به خود اختصاص می‌دهد، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری شایان اتفاق می‌افتد و معلم و مربی از یک سو و همسالان و متربیان از سوی دیگر در شکل‌گیری شخصیت افراد تأثیرگذار است. از امام باقر (ع) نقل شده که فرمودند علمی که فرامی‌گیرید، بنگرید از چه کسی فرامی‌گیرید». (کلینی، ۱۳۸۱: ۵۰) این فرمایش حضرت می‌رساند که پرورش در فرایند آموزش تحقق می‌یابد. لذا معلم، یک مربی نیز هست.



در خصوص تأثیر مدرسه و نقش معلم حضرت امام خمینی خطاب به معلمان فرموده‌اند:

«معلم امانت‌دار است... اگر این امانت به آن خیانت شود، یک وقت می‌بینید خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست، انبیا هم معلم بشر هستند. نقش معلم بسیار حساس و مهم است و مسؤولیت بسیار زیادی دارد نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که اخراج من الظلمات الی النور «است». (موسوی خمینی، بی‌تا: ۲۳۲-۲۳۳) ج. محیط اجتماع: منظور از محیط اجتماعی محیط رفت و آمدها و تمام روابط و تعاملات افراد به‌غیر از خانه و مدرسه است. انسان که موجودی اجتماعی است بخشی عمده از زندگی او را تعاملات و حضور در اجتماع شکل می‌دهد و این محیط در تربیت و چگونگی عملکردهای افراد، نقش‌آفرین است. نقش و عادات اجتماع در شکل‌گیری شخصیت نامحسوس و تدریجی است و فرد به علت وابستگی به آن به شدت تأثیر می‌پذیرد.

۳-۳. کار و تلاش

از جمله عوامل مؤثر در تربیت که در ساختن انسان نقش اساسی دارد کار است انسان در عین حال که خالق و آفریننده و مدیر کار، است به‌شدت متأثر از آن است؛ به‌نحوی که کار بر روح و جان انسان رنگ می‌زند و در خلق و خوی و رفتار انسان تأثیر می‌گذارد. کار در رشد ابعاد مختلف وجود آدمی نقش دارد و جسم و عقل و احساس و عاطفه را تحت تربیت خود قرار می‌دهد. وقتی انسان کاری مطابق استعداد و ذوق و سلیقه‌اش انجام می‌دهد، وجود خود را تمرین و رشد می‌دهد. آدمی در کاری که انجام می‌دهد، خود را می‌باید، می‌آزماید و استعدادهای خود را کشف و شکوفا می‌کند. انسان با کار کردن، کرامت شخصیت و حیثیت خود را حفظ می‌کند و این امر بر ذهن و رفتارش تأثیر مثبت می‌گذارد. از این منظر کار کردن هرچند پایین‌ترین نوع آن باشد، حرکت تربیتی و سازنده و باارزش و شریف به شمار می‌آید. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۱۳۵)

۳-۴. تحمل سختی‌ها و مشکلات

یکی از پدیده‌های زندگی، انسان روبرو شدن با مشکلات و مرارت‌ها و نامالایمات است که گریزی از آن نیست. یکی از حکمت‌های مقابله با مشکلات که به تجربه ثابت شده است، شکوفا شدن استعدادها و توانایی‌های نهفته انسان است. سختی‌ها و مشکلات، روح را توانا و نیرومند و وجود انسان را بارور می‌سازد. شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «به حکم قانون و قاموس خلقت، بسیاری از کمالات جز در مواجهه با سختی‌ها و شاید جز در نتیجه تصادم‌ها و اصطکاک‌های سخت، جز در میدان مبارزه و پنجه نرم کردن با حوادث، جز در روبرو شدن با بلاها و مصائب حاصل نمی‌شود». (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۷۶) از این رو تحمل سختی‌ها و شداید، یکی از عوامل تأثیرگذار بر تربیت افراد است.

۳-۵. تفکر و تعقل

یکی از امتیازات انسان بر سایر موجودات برخورداری او از موهبت عقل است؛ نعمتی که او را بر تشخیص خیلی از امور قادر می‌کند. اگر انسان از عقل خود در امر تربیت صحیح استفاده کند، عامل مهمی در رشد و اصلاح و ترقی او خواهد بود.

۴. موانع تربیت

منظور آن دسته از اموری است که سد راه تربیت شده و مربی را از حرکت در مسیر تربیت صحیح باز می‌دارد یا حرکت او را کند می‌کند. اینک به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱. دنیا دنیا در معنای مذموم آن

همه سرکشی‌ها، ظلم‌ها و فسادها به خاطر آن است که افراد به خاطر دل‌بستگی به آن، خود را از کمال و ترقی و تعالی بازداشته‌اند. دنیایی که حقیقت آن لهُو و پوچی (انعام: ۳۲) است و ارزش ناچیز و فریبنده دارد. (آل عمران: ۱۸۵ و ۲۰) به تعبیر کلام نورانی پیامبر اکرم (ص) دل‌بستگی و حب دنیا مبدأ همه خطایا است. (ابن بابویه صدوق، ۱۳۸۹، ۱: ۲۵) لذا راه به‌سوی حقیقت تربیت، جز با دیده فرو بستن



از پستی‌ها گشوده نمی‌شود. این چنین نیست که بتوان در عین وابستگی به دنیا، گام در مسیر تربیت گذاشت و از زندگی این جهان برای آخرت توشه برداشت؛ زیرا دنیا به معنای تعلقات پست و آخرت دو نقطه مقابل یکدیگرند که با نزدیک شدن به یکی قطعاً دوری از دیگر حاصل می‌شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۳۲) در این باره امیرالمؤمنین علی^(ع) فرمودند: «همانا دنیا و آخرت دو دشمنند رو در رو و دورا همدیگر مخالف هم. هر که دنیا را دوست دارد و مهر آن در دل بکارد، آخرت را نپسندد و آن را دشمن انگارد و دنیا و آخرت چون خاور و باخترند و آن که میان آن دو رود، چون به یکی نزدیک شود، از دیگری دور شود و این دو چون دو خواهرند در نکاح یک شوهر». (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۳) چنین نکاحی ناشدنی است، مگر به حرام. پس یکی از موانع بزرگ فراروی تربیت، حب دنیا است.

۲-۴. عدم انگیزه و خواست درونی برای تربیت

تربیت امری است که باید با خواست و اراده درونی همراه باشد و خود فرد خواهان سیر تکاملی و رشد باشد. در غیر این صورت تمام تلاش و عوامل تربیت، نتیجه‌ای نخواهد داشت.

۳-۴. رواج فرهنگ‌ها و امور ضد ارزش و خرافات در جامعه

از آنجا که محیط از عوامل تأثیرگذار در امر تربیت است، از این رو اگر در جامعه‌ای امور ضد ارزشی و باورهای غلط و خرافات رسوخ کرد، به عنوان مانعی برای تربیت و حرکت به سوی هدایت و رشد به حساب می‌آیند. لذا باید مربیان و افراد اصلاح‌گر این حرکت قهقرایی جامعه را تغییر داده و به سوی توحید و ارزش‌ها سوق دهد. همان حرکتی که انبیای الهی موظف به آن بوده‌اند. (ر.ک. مائده: ۱۵ و ۱۶ آل عمران: ۱۰۲، نحل: ۳۶)

۴-۴. حکومت‌های غیر الهی و حکام فاسد

یکی از اموری که در تربیت افراد و اجتماع نقش جدی دارد، حکمرانان و قوانین حاکم بر جامعه است. اگر حکومت الهی و دستورات آن و حیانی بود و حکام آن ملتزم به



رعایت حدود الهی باشند، مسلماً رشد و ترقی و تکامل معنوی در آن جامعه چشمگیر است. برعکس اگر حاکمان ملتزم به حدود الهی نبوده و ضد ارزش‌ها را بر گرده مردم تحمیل کنند، مسیر تربیت با مانع بزرگی روبرو خواهد بود. حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «هرگاه فرومایگان مصدر امور شوند، گرانمایگان درافتند و مقهور شوند». (خوانساری، ۱۳۶۶، ۳: ۱۲۹) هم‌چنین فرمود: «هرگاه زمام امور به دست اراذل و فرومایگان افتد برتران هلاک شوند». (همان.)

۵-۴. فقر و غنا

فقر ذلت آور و اسیرکننده و غنای افزون بر کفاف و سیری‌ناپذیر، دو مانع مهم برای تربیت به شمار می‌رود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۵۲) دراین باره آیات و روایات زیادی رسیده است که به چند نمونه اشاره می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَىٰ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ»؛ (علق: ۵-۶) چنین نیست [که شما می‌پندارید] به یقین انسان طغیان می‌کند از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند.

در کلمات حضرت امام علی^(ع) هم آمده است: «بدانید که فراوانی مال، تباه‌کننده دین و سخت‌کننده دل‌ها است». (حرانی، ۱۴۱۴: ۱۳۷) باز فرمود: «بسیاری مال انسان را به سقوط می‌کشانند و سرکشی می‌آورد و نابود می‌سازد (خوانساری، ۱۳۶۶، ۳: ۳۵۱)

درباره فقر مفراط که انسان را اسیر کرده و شکسته و بیچاره می‌نماید، از رسول خدا^(ص) نقل شده است: «نزدیک است کار فقیر به کفر بکشد». (کلینی، ۱۳۸۱، ۲: ۳۰۷) حضرت علی^(ع) فرمود: «فقر نیمی از کفر است». (مجلسی، ۱۴۴۰، ۷۸: ۱۳) دراین باره علامه طباطبایی می‌نویسد: «یقیناً مهم‌ترین امری که جامعه بشری را بر اساس خود قوام می‌بخشد و مستحکم می‌سازد، امور اقتصادی جامعه است که خداوند آن را مایه قوام و برپایی اجتماع قرار داده است و اگر گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم موردبررسی و آمارگیری قرار گیرد، به این نتیجه می‌رسیم که عامل و رحلت آن‌ها فقر مفراط بوده که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه دزدی و راهزنی، قتل، گران‌فروشی و کم‌فروشی، غصب و سایر ظلم‌های مالی وامی‌دارد.



یا ثروت فراوانی که انسان را به اسراف و زیاده‌روی در خوراک و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها و ازدواج و تهیه مسکن و بی‌بندوباری و هتک حرمت‌ها و گسترش تجاوز و دست‌اندازی به مال و ناموس و جان افراد می‌کشاند». (طباطبایی، ۱۳۶۹، ۹: ۲۳۸) بخشی دیگر از موانع تربیت عبارتند از لجاجت، سطحی‌نگری، پندار نگری، شخصیت‌گرایی تقلید کورکورانه، هوی و هوس، استکبار و کبر ورزیدن و غرور و خودبینی، (فاطر: ۴۳، جائیه: ۸، فرقان: ۲۱، نمل: ۱۴) و سوسه شیطان «گناه نفاق، آرزوهای دور و دراز، ستمکاری، دروغ‌گویی هم‌نشین سوء (فرقان: ۲۷)، محیط ناسالم استبداد رأی، (اعراف: ۱۹۸) و...

۵. اهداف تربیت

هدف در زندگی انسان‌ها جهت دهنده و راهگشای همه فعالیت‌های ارادی، از جمله فعالیت‌های تربیتی است. لذا یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های تربیتی، تعیین و شناخت هدف است. هدف در لغت به معنای هر چیز بلند و برافراشته شده، آنچه آدمی برای رسیدن به آن بکوشد و به معنای مقصود و غایت بکار می‌رود. (معین، ۱۳۸۰: ذیل واژه. هدف) در اصطلاح تعلیم و تربیت عبارت است از وضع نهایی و مطلوبی که سودمند تشخیص داده شده و برای رسیدن به آن فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. (دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه، بی‌تا: ۵) لذا انسان با اراده و اختیار خود باید هدف مطلوبی را انتخاب و با انگیزه که در او ایجاد شده در پی رسیدن به آن باشد.

اهداف تربیت از نظر مکتب ایده آلیستی - ۱ - جستجوی حقیقت - ۲ - خود شکوفایی - ۳ - رشد منش (رک: هواردا، ۱۳۸۷: ۴۹) به تعبیر دیگر از منظر مکتب پندارگرایی ایده آلسیم هدف تعلیم و تربیت را ترغیب متربی به سوی حقیقت‌جویی و رسیدن به کمال می‌دانند و می‌گویند فرایند تعلیم و تربیت باید به فرد کمک کند تا استعداد و توانایی‌های خود را که بالقوه در او نهفته است، محقق سازد. (جرالدال، بی‌تا: ۲۶ و ۳۷) تربیت از نظر آنان پرورش استعدادهای درونی افراد و کمک به شکوفاشدن استعدادهای ذاتی آن‌ها است. کار معلم در این مکتب تجزیه و تحلیل

بحث پیرامون ایده‌ها و حرکت دادن دانش آموزان به سمت آگاهی‌های جدید است؛ به‌گونه‌ای که نهایتاً ایده‌های آن‌ها تغییر شکل یابد. (القرائی، ۱۳۸۹: ۸۸-۹۲) و وظیفه او کمک به فرد است تا استعدادهای بالقوه خود را شکوفا سازد و وابستگی خود را به عناصر معنوی موجود در طبیعت، حفظ کند.

اهداف تربیت از نظر مکتب رفتارگراها، تغییر رفتار و هدایت آن به جهات مطلوب‌تر است؛ اما از دیدگاه قرآن اهداف متعددی قابل طرح است که می‌توان آن‌ها را در قالب اهداف میانی و غایی بیان کرد:

۱-۵. اهداف میانی تربیت

۱-۱-۵. خودشناسی

یکی از اهداف تربیتی آگاهی نسبت به خود خودشناسی، جهان‌شناسی و خدا خداشناسی است. در باب خودشناسی حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «هرکس خودش را بشناسد، پس خدایش را خواهد شناخت». (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۰، ۲۰: ۲۹۲) باز فرمود: «هرکس نفس خویش را بشناسد، البته به منتهی درجه هر معرفت و علمی رسیده است». (خوانساری، ۱۳۶۶، ۲: ۶۹۸) اینکه خودشناسی هدف تربیت است، به این شرط است که به خودسازی بینجامد؛ یعنی شناخت ابعاد وجودی، مقدمه خودسازی است. لزوم خودسازی و رشد در حیات انسان، به حدی است که نه تنها ادیان، بلکه اکثر مکاتب فلسفی نیز آن را محور تعمقات عقلی و نظری قرار داده‌اند. خودشناسی منحصر به خودسازی و جهت‌بخشی به عمل تربیتی نیست، بلکه علاوه بر آن شامل خداشناسی نیز می‌شود. چنان‌که پیامبر اکرم^(ص) فرمود: «من عرف نفسه عرف ربه؛ هر کس خود را بشناسد، خدای خود را شناخته است». (مجلسی، ۱۴۴۰، ۲: ۳۲) بنابراین می‌توان گفت هدف از خودشناسی در نظام تربیتی اسلام، دو چیز است: خداشناسی و خودسازی؛ منظور از خداشناسی، صرف شناخت و معرفت نظر نیست بلکه مقدمه‌ای برای خودسازی است. انسان در چهارچوب دین در صورتی می‌تواند به خودسازی پردازد که خدا را شناخته باشد. لذا خودشناسی مقدمه‌ای برای شناخت خدا و اولین نتیجه آن است. همچنین خودسازی از طریق



خداشناسی، امکان‌پذیر است و خداشناسی مقدمه و زمینه‌ای برای خودسازی است. بنابراین خودسازی منوط به خداشناسی است و خداشناسی نیز در پرتو خودشناسی قابل تبیین است. (دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه، بی‌تا: ۱۰۹-۱۱۰)

۲-۱-۵. عبادت

عبادت و پرستش عبارت است از نوعی رابطه خاضعانه و ستایشگرانه و سپاسگزارانه که انسان با خدا برقرار می‌کند. (دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه، بی‌تا: ۵۷)

و عبودیت منظور نظر قرآن است که بر پایه شناخت و عشق به او حاصل شود و عبادت بدون پایه شناختی ارزشی ندارد. تربیت آدمی باید به عبودیت بینجامد و مراد از عبودیت آن است که انسان خدا را مالک اصلی و مدیر امور بداند و از تصاحب غیر خدا خود را برهاند. اثر عبد بودن در هر یک از شئون انسان چنین آشکار می‌شود که در شأن جسمی و غریزی انسان را از اتباع شهوات باز می‌دارد و در شأن فکری و عقلی، او را بر آن می‌دارد که علم را عطیه الهی بداند (بقره: ۲۵۵) و آن را مایه خشیت از خدا قرار دهد. (فاطر ۲۸) در شأن اخلاقی و اجتماعی، اراده برتری جویی را از او می‌ستانند. (قصص: ۸۳) در شأن اقتصادی او را بر مالک دیدن خدا (آل عمران: ۲۶) و در شأن سیاسی بر حاکم دیدن او فرامی‌خواند. (باقری، ۱۳۷۳: ۶۰) آن‌که در برابر خداوند حکیم عادل و مهربان تسلیم می‌شود و بندگی او را می‌پذیرد، عالی‌ترین انگیزه‌های انسانی را بر وجود خود حاکم ساخته است. کسی که با عبادت، به خدا می‌پیوندد، خود را از پلیدی‌ها، بیدادگری‌ها، هوی و هوس یا تمایلات بی‌ارزش و از خود اهریمنی آزاد می‌سازد. (شریعتمداری، ۱۳۷۰: ۱۲۹)

۳-۱-۴. تقوا

تقوا به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است و یک هدف واسطه‌ای در تربیت به شمار می‌رود. مقصود این است که تقوا مرحله‌ای از رشد دینی و الهی است که رسیدن به آن در بسیاری از گزاره‌های دینی، مفید و مطلوب دانسته شده است. آیات (بقره: ۲۱: ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۷) و روایات (نهج البلاغه خطبه ۱۸۳) فراوانی تقوا را به عنوان هدف و مقصود فعالیت‌های دینی معرفی کرده است. (دفتر همکاری حوزه و



دانشگاه، بی تا: ۴۹) تقوا دارای آثار فراوان است؛ از جمله روشن بینی، موفقیت در برابر مشکلات و حفظ و صیانت نفس از سرکشی و عصیان.

۴-۱-۴. شکرگزاری

شکر به معنای حق شناسی است و ماهیت آن این است که انسان در برابر نعمت‌ها و آنچه موجب صلاح و سعادت او شده، واکنش مثبت نشان می‌دهد؛ زیرا هر انسان از حیث روانی نسبت به کسانی که موجب آرامش و سعادت او می‌شوند یا به نحوی وسایل راحتی او را فراهم می‌کنند، احساس دین می‌کند و سعی می‌نماید در موقعیت مناسب به نحوی جبران کند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، بی تا: ۶۳) و البته شکرگزاری در برابر خدا بیش از آن که جنبهٔ زبانی داشته باشد، جنبهٔ قلبی و عملی دارد. حق شناسی یک مسلمان در برابر خدا، درگرو انجام اوامر الهی و پرهیز از معاصی و محارم است. محور انواع حق شناسی در گردونه ارتباط ما با خدا، قرب به او و موفقیت در عمل به احکام عبادی است. از جمله آثار شکرگزاری، ازدیاد نعمت «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»، (ابراهیم: ۷) دستیابی به عدالت اجتماعی و رعایت حقوق دیگران، رسیدن به مقامات معنوی رضا و توکل است.

۴-۲. اهداف غایی

۴-۲-۱. رسیدن به توحید

از نگاه اسلام هدف نهایی تعلیم و تربیت، رسیدن به مقام توحید در مرحله علم و عمل است و باید نظام تربیتی بر این مهم هدف گذاری شود. از نظر اسلام برای آفرینش انسان و زندگی او، هیچ هدفی جز توحید خداوند متعال در مرحله اعتقاد و عمل نیست؛ یعنی اسلام کمال انسانیت و هدف نهایی زندگی را این می‌داند که انسان معتقد شود به این که برای او خدایی هست که همهٔ پدیده‌ها و موجودات را آفریده است و بازگشت همه آن‌ها به سوی او است. آنگاه بعد از تحمیل چنین ایمان و اعتقادی، هر عملی که انجام می‌دهد نشان بندگی او نسبت به خدای متعال است. (طباطبایی، ۱۳۶۹، ۶: ۲۵۷)



۲-۲-۴. لقاء الهی

منظور از لقاء الله منتهی شدن به‌سوی خداوند است؛ یعنی به مقامی که در آن جز حکم الهی حکمی نیست و هیچ مانعی نیست که بتواند از نفوذ و اجرای حکم الهی جلوگیری کند. (طباطبایی، ۱۳۶۹، ۲۰: ۲۴۲) می‌توان تعبیر قرب را نیز به کار برد. مسلماً مراد از قرب، قرب مکانی نیست، بلکه نزدیکی و ارتباط روحی است که انسان با حقیقت روحش آن را درک می‌کند.

۳-۲-۴. تکامل و متصف به صفات خدایی شدن

حرکت تدریجی یک شیء از نقص به نقطه مطلوب رشد را تکامل گویند. (فایضی و آشنایی، ۱۳۶۰: ۱۱۱) تکامل شامل تکامل جسمی و فیزیولوژیکی، تکامل علمی و فکری و تکامل معنوی می‌شود که تربیت عهده‌دار رشد و پرورش و تکامل معنوی و روحی افراد است. یکی از اهداف مهم تربیت آن است که استعدادهای آدمی شکوفا شود و به صفات الهی متصف شود و به تکامل مطلوب خود دست یابد و به‌گونه‌ای مظهر صفات الهی شود. همه تلاش‌ها مقدمه این امر است که آدمی به‌سوی انسان کامل سیر کند. (الکندی، ۱۹۵۰: ۱۷۲) سلوک و عبادت و مبارزه و سیاست حکومت و عدالت برای این است که مقدمات تربیت انسان به مقصد اتصاف به صفات الهی و ربانی شدن فراهم گردد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۷۹) چنان‌که قرآن کریم فرمود: «كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ»؛ (آل عمران: ۷۹) باید بگویند ربانی (تکامل یافته) باشید، همان‌طور که کتاب الهی به شما تعلیم داده شده و درس خوانده‌اید. از این‌رو باید مقصود آدمی تطهیر و رهایی از پلیدی‌ها و زشتی‌ها و آشکار کردن استعدادها و کمالات و صفات حسنه باشد.

۴-۲-۴. آزادی

برخی قائلند هدف نهایی تعلیم و تربیت در اسلام آزادی است. آزادی به معنای خلاصی و رهایی از چیزهایی است که مانع قدرت تفکر و حرکت و فعلی است که انسان در صدد انجام آن است. رهایی از قید و بندی که انسان را از اتخاذ هر تصمیمی که با میل و رضایت خود می‌گیرد، منع می‌کند. این مفهوم از آزادی مضمون این



کلام خداوند است که می‌فرماید: «ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون». (ذاریات: ۵۶) و جن و انس را نیافریدم جز برای آن‌که مرا پرستند. بنابراین بندگان خدا اعم از جن و انس برای هیچ‌کس جز خداوند، خضوع و خشوع نمی‌کنند. این هدف دارای دو ویژگی است که از دیگر اهداف متمایز است:

اولاً این هدف عام و کلی است و می‌تواند هدف تمام انسان‌ها باشد؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) برای تمام انسان‌ها مبعوث شده است. «وما أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». (انبیاء: ۱۰۷)

ثانیاً هدف و غایت همه چیزهایی است که قبل از آن بوده و خود وسیله‌ای برای اهداف دیگر نیست. همین غایت وجه تمایز رفتار انسان از رفتار حیوان است؛ چراکه هدف حیوان در رفتارش بیش از وجود غریزی‌اش نیست؛ اما برای انسان خود وجود، فی حد ذاته هدف نیست و الا این وجود یک وجود مصرفی و فناپذیر خواهد بود که خویشتن را به هلاکت خواهد افکند. (ملکاوی، ۱۳۸۱: ۲۰۸)

نتیجه‌گیری

نظام تربیتی اسلام دارای مبانی، اصول، عوامل مؤثر و روش تربیتی خاصی است که مؤلفه‌های تربیت را تشکیل می‌دهد. این نظام تربیتی از نوع نگاه اسلام به انسان ناشی می‌شود. اسلام با توجه به هدف خلقت انسان و کرامتی که برای او قایل است، برای تربیت درست و ارزشمند او نظام ویژه طراحی کرده است. قرآن کریم و سنت معصومین (ع) منبع غنی این نظام نامه تربیتی است که با توجه به ظرفیت وجودی انسان و نیاز او به یک نظام تربیتی والا، بهترین و قانون‌مندترین نظام تربیتی را ارائه کرده است. هدف‌داری خالق هستی، از مهم‌ترین مبانی هستی‌شناسانه و اصل دوی بعدی بودن انسان، اختیار و کرامت او از جمله اصول اساسی نظام تربیتی اسلام است. از نظر قرآن کریم، وراثت و محیط، دو عنصری است که نقش مؤثر در تربیت انسان دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، معتزلی، (۱۳۷۰)، شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲. ابن احمد، شهاب‌الدین محمد، (بی‌تا)، المتطرف فی کل من متطرف، بی‌جا: بی‌نا.
۳. ابن بابویه صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۹)، الخصال، تهران: مکتب صدوق.
۴. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث الرین.
۵. باقری، خسرو، (۱۳۷۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
۶. بهشتی، محمد، (۱۳۸۷)، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. جوالدال، گوتک، (بی‌تا)، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، بی‌جا: بی‌نا.
۸. حجتی، محمدباقر، (بی‌تا)، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. حرانی، ابن شعبه، (۱۴۱۴ق)، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۰. حویزی، علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
۱۱. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۰)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خوانساری، جمال‌الدین محمد، (۱۳۶۶)، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه، (بی‌تا)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، بی‌جا: بی‌نا.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: نشر دریا.





۱۵. رهنمایی، احمد، (۱۳۸۸)، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. شریعتمداری، علی، (۱۳۷۰)، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. صادق زاده، علیرضا و همکاران، (۱۳۸۷)، *فلسفه تربیت*، بی جا: بی نا.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۹)، *المیزان*، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۹. علم الهدی، جمیله، (۱۳۸۹)، *نظریه اسلام و تعلیم و تربیت*، دانشگاه امام صادق^(ع).
۲۰. فیاضی، علی و آشنایی، محسن، (۱۳۶۰)، *مبانی تربیت و اخلاق اسلامی*، قم: انتشارات روحانی.
۲۱. القرائی، خلیل سلطان، (۱۳۸۹)، *فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی*، تبریز: دانشگاه تبریز.
۲۲. کلینی، محمد ابن یعقوب، (۱۳۸۱)، *الکافی*، تهران: دارالکت الاسلامیه.
۲۳. الکندی، ابویوسف، (۱۹۵۰م)، *رسائل الکندی الفلسفیه*، قاهره: دار القرآن العربی.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۴۰ق)، *بحار الانوار*، بیروت: موسسه الوفا.
۲۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، *بیست گفتار*، تهران: نشر صدرا.
۲۶. معاونت تربیتی المصطفی، (بی تا)، *نظام نامه تربیتی*، بی جا: بی نا.
۲۷. معین، محمد، (۱۳۸۰)، *فرهنگ معین*، تهران: نشر سپهر.
۲۸. ملکاوی، فتحی حسن، (۱۳۸۱)، *گامی به سوی نظریه پزدازی در تعلیم و تربیت اسلامی*، (ترجمه: اسدالله طوسی، غلامرضا متقی فر)، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. موسوی خمینی، (بی تا)، *آیین انقلاب سلامی: برگزیده ای از اندیشه و آرای امام خمینی*.
۳۰. هواردا-اوزمن، سمویل ام اکراور، (۱۳۸۷)، *مبانی فلسفی تعلیم و تربیت*، (ترجمه: گروه علوم تربیتی)، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۱. هوشیار، محمد باقر، (۱۳۷۶)، *اصول آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات سینا.